

Strategies for Enhancing Security in the Islamic Government Based on a Content Analysis of Sūrat al-Tawbah

Mehdi Jameie¹, Hossein Hashemnezhad², Zahra Rezazadeh Asgari³

¹ Ph.D. student, Department of Quran and Hadith Studies, Faculty of Education and Thought, University of Tehran, Tehran, Iran. Mehdi.jameie@ut.ac.ir

² Assistant Professor, Faculty of Islamic Education and Thought, University of Tehran, Tehran, Iran (**Corresponding author**). hashemnezhad48@ut.ac.ir

³ Assistant Professor, Faculty of Islamic Education and Thought, University of Tehran, Tehran, Iran. Zasgari@ut.ac.ir

Abstract

The coincidence of the revelation of Sūrat al-Tawbah with the apex of the Prophet Muḥammad's government and its associated political and security challenges highlights the pivotal role of this sūrah in addressing security-related themes. Accordingly, the present study aims to reconstruct the security atmosphere of the Prophetic government and reread the Qur'anic security strategies through an examination of this sūrah. The central research question is: Given the specific characteristics of Sūrat al-Tawbah, what strategies are proposed for enhancing security in the Islamic government? The methodology employed is content analysis. The text of Sūrat al-Tawbah was selected as the sample, and based on the thematic unit of analysis, the content was categorized in an analysis table (using Microsoft Excel), and the study was conducted in accordance with methodological protocols. The 48% frequency of security-enhancing elements in this sūrah not only confirms the existence of a governance structure for the Prophet's reformist movement but also underscores the necessity of a dynamic approach to security in the Islamic government. Strategic variables, with a 38% frequency, constitute the most prominent category among the security-enhancing elements of this sūrah, indicating its particular focus on the strategic domain of security within the realm of governance. The identified strategies include a range of political approaches such as ensuring psychological security, establishing ranking and hierarchical systems, decentralization, and facilitating social participation, as well as internal cohesion with external disengagement, reward and commendation, protective and supervisory strategies such as safeguarding strategic locations, oversight of licenses, considering personnel background in selection and appointments, criteria for granting exemptions, necessity-assessment and performance-based prioritization, intelligent timing and communication—these all serve as security-generating variables that, when applied in legislation and policy-making within the Islamic government, are emphasized by the Noble Qur'an as security-enhancing strategies. Among these, the strategy of reward and commendation, with 33%, and the strategy of internal cohesion–external disengagement, with 16%, hold the highest frequencies respectively. This underscores the necessity of creating a balance between the coercive and compassionate dimensions of governance and reinforcing the internal foundations of the Islamic government. Establishing a governance structure for the

Received: 2024-07-02 ; Received in revised form: 2024-09-09 ; Accepted: 2024-09-23 ; Published online: 2024-12-23

<https://doi.org/10.22034/sm.2025.1987923.2014>

© the authors

<http://sm.psas.ir>

Article type: Research Article

Publisher: Political Studies Association of the Seminary



Prophet's reformist movement and recognizing the security-oriented purpose of Sūrat al-Tawbah further affirm the need for attention to dynamic security, strategic security domains, and the consolidation of internal foundations. This study is a contemplative endeavor within the framework of *fiqh hukūmatī* (governmental jurisprudence), which, through the presentation of a governance model based on these strategies, can serve as a valuable document for defining and evaluating security criteria in an Islamic government. Given the emphasis of Sūrat al-Tawbah on security requirements, the comprehensive application of these strategies in Islamic policy-making is essential. For this purpose, it is necessary that belief in and practical commitment to policies derived from these strategies be considered as criteria in selecting individuals for entry into the governmental structure from top to bottom and for the appointment to governmental positions. Furthermore, the ratification of these strategies by national security institutions, their communication to executive agencies, and oversight of their effective implementation are among the essential requirements for operationalizing these strategies.

Keywords: Security, Islamic Government, Sūrat al-Tawbah.

راهبردهای ارتقای امنیت در حکومت اسلامی

براساس تحلیل محتوای سوره «توبه»

مهدی جامعی^۱، حسین هاشم‌نژاد^۲، زهرا رضازاده عسگری^۳

^۱ دانشجوی دکتری، گروه معارف قرآن و حدیث، دانشکده معارف و اندیشه اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Mehdi.jameie@ut.ac.ir

^۲ استادیار، دانشکده معارف و اندیشه اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول). hashemnezhad48@ut.ac.ir

^۳ استادیار، دانشکده معارف و اندیشه اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. Zasgari@ut.ac.ir

چکیده

مقارنت نزول سوره توبه با اوج حکومت پیامبر اسلام(ص) و چالش‌های سیاسی و امنیتی آن، نقش مهم این سوره را در پیگیری مضامین امنیتی، پررنگ می‌نماید. از این جهت، هدف پژوهش حاضر بازتولید فضای امنیتی حکومت نبوی و بازخوانی راهبردهای و حیاتی امنیت‌ساز از طریق بررسی این سوره است. سؤال اصلی این است که با توجه به ویژگی‌های خاص سوره توبه، چه راهبردهایی برای ارتقای امنیت در حکومت اسلامی مطرح شده است؟ روش پژوهش تحلیل محتوا بوده و متن سوره توبه به‌عنوان نمونه انتخاب گردید و بر پایه واحد تحلیل مضمون، در جدول تحلیل (نرم‌افزار اکسل) جای‌گذاری شد و براساس پروتکل روش، امر تحقیق پیگیری شد. فراوانی ۴۸ درصدی فزاینده‌های امنیت در این سوره، ضمن اثبات ساختار حکومت برای نهضت اصلاح نبوی، لزوم اهتمام حکومت اسلامی به امنیت پویا را نشان می‌دهد. متغیرهای راهبردی با فراوانی ۳۸ درصد، بیشترین بسامد را در میان فزاینده‌های امنیت در سوره توبه به خود اختصاص داده است؛ که بر اهتمام این سوره به عرصه راهبردی امنیت در حوزه حکمرانی دلالت دارد. مجموعه‌ای از راهبردهای سیاسی نظیر تأمین امنیت روانی، رتبه‌بندی و نظام سلسله مراتبی، تمرکززدایی و زمینه‌سازی برای مشارکت اجتماعی، انسجام درونی - انقطاع بیرونی، پاداش و تقدیر، راهبردهای صیانتی و نظارتی نظیر صیانت از مکان‌های استراتژیک، نظارت بر مجوزها، لحاظ پیشینه نیروی انسانی در گزینش و انتصابات، ملاک در اعطای معافیت‌ها، ضرورت‌سنجی و عملکرد اولویت‌محور، ابلاغ و تبیین و زمان‌بندی هوشمندانه، متغیرهای امنیت‌سازی هستند که کاربرد آن‌ها در تقنین و ختم‌شده حکمرانی اسلامی، به عنوان راهبردهای فزاینده امنیت از جانب قرآن کریم مورد تأکید قرار گرفته است. از این میان، بیان راهبردی پاداش و تقدیر با ۳۳٪ و راهبردی انسجام درونی - انقطاع بیرونی با ۱۶٪، به ترتیب بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده‌اند که بر لزوم ایجاد موازنه میان جنبه قهری و رحمانی در حکمرانی و تحکیم بنیان‌های داخلی حکومت اسلامی دلالت دارند. اثبات ساختار حکمرانی برای نهضت اصلاح

استناد به این مقاله: جامعی، مهدی؛ هاشم‌نژاد، حسین؛ رضازاده عسگری، زهرا (۱۴۰۳). راهبردهای ارتقای امنیت در حکومت اسلامی براساس تحلیل

محتوای سوره «توبه». *سیاست متعالیه*، ۱۱۲(۴): ص ۷-۳۲. <https://doi.org/10.22034/sm.2025.1987923.2014>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۱۲؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۶/۱۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۰۲؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۰۳

© the authors

<http://sm.psas.ir>

نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: انجمن مطالعات سیاسی حوزه



نبوی و غرض امنیتی سوره توبه، لزوم اهتمام حکومت اسلامی به امنیت پویا، عرصه راهبردی امنیت و تحکیم بنیان‌های داخلی، از دیگر نتایج تحقیق است. این تحقیق تلاشی تدبیری در راستای فقه حکومتی است که با ارائه الگوی حکمرانی مبتنی بر این راهبردها می‌تواند سند خوبی جهت تعریف و ارزیابی معیارهای امنیتی در حکومت اسلامی باشد. با توجه به وجه امتیاز غرض سوره توبه در بیان الزامات امنیتی، کاربست تام این راهبردها در خط‌مشی حکمرانی اسلامی بایسته است که برای تحقق این مهم، لازم است در گزینش افراد جهت ورود به بدنه حکومت از صدر تا ذیل و اعطای مناصب حکومتی، اعتقاد و التزام عملی به سیاست‌های منبث از این راهبردها، معیار قرار گیرد. به علاوه، تصویب این راهبردها در دستگاه‌های متولی امنیت کشور و ابلاغ آنها به دستگاه‌های اجرایی و سپس نظارت بر حسن اجرای آنها از دیگر الزامات کاربردی شدن این راهبردها است.

واژه‌های کلیدی: امنیت، حکومت اسلامی، سوره توبه.

۱. مقدمه

امنیت، از جمله نیازهای بنیادی بشر است که فقدان آن مانع تأمین سایر نیازهای انسان است. آبراهام مزلو پدر انسان‌گرایی در مکاتب روانشناسی، امنیت را در هرم سلسله نیازهای انسان، در رده نیازهای پایه دانسته که کمال انسان بدون تأمین آن میسر نیست (نولن و همکاران، ۱۳۹۲: ج ۲، ص ۶۸۳). قرآن کریم نیز این دیدگاه مبنایی را تأیید می‌کند؛ چراکه امنیت را نخستین نعمت بهشتیان معرفی کرده و سایر نعمات را مترتب بر آن دانسته است (دخان، ۵۱-۵۲). همچنین، بر لزوم هدایت افراد در فضایی امن تصریح کرده و هدایتی را ارزشمند می‌داند که در شرایطی کاملاً ایمن، صورت گرفته باشد (توبه، ۶)، و برای تصویرسازی مدینه فاضله، امنیت را اولین خصیصه مهم آن و زیربنای توسعه اقتصادی معرفی کرده است (نحل، ۱۱۲). علاوه بر این، جامعیت و جاودانگی قرآن کریم نیز مقتضی توجه به همه لوازم هدایت بشر، به خصوص مسئله مهم امنیت است؛ که به شدت در هدایت جوامع دخیل است. از آنجا که حکومت‌ها متولّی اصلی تأمین امنیت جوامع هستند، سؤال این است که قرآن کریم چه راهبردهایی را جهت ارتقاء امنیت در سطح حکمرانی ارائه داده است و بهترین منبع برای کشف آنها چیست؟ پاسخ به این سؤال، کمک بزرگی در تدوین الگوی امنیت حکومت اسلامی خواهد بود و از این منظر، ضرورت نیز دارد.

پژوهش حاضر، بر این فرض استوار است که مقارنت نزول سوره توبه با اوج حکومت نبوی و جایگاه راهبردی امنیت در آن، موجب پرداخت ویژه آن سوره به موضوع امنیت شده است. جهت سنجش این فرضیه، از تحلیل محتوای سوره توبه استفاده گردید. منطق انتخاب سوره توبه، شواهد استواری است که برای حاکم بودن فضای امنیت در این سوره وجود دارد. طرح مفاهیم امنیتی متعدد، بیان تخلفات سنگین امنیتی که موجب شدت لحن بی سابقه آیات و بیان کیفی نظیر محرومیت ابدی از غفران الهی (توبه، ۸۰) و تحریم‌های اجتماعی سنگین (توبه، ۱۱۸) شده است، تقارن نزول سوره توبه با گستره وسیع حکومت نبوی در سال‌های پایانی در شبه جزیره عربستان (Hefner, 2010: p. 189) و مواجهه با انواع گروه‌های تهدید امنیت نظیر کافران، مشرکان، منافقان، مؤمنان متساهل و... که موجب بیان الزامات امنیتی در این سوره شده است، همچنین تفاضل بسامد واژه «امن» و مشتقات آن در سوره مکی (۳۵۸ مورد) و مدنی (۵۲۱ مورد) که بیانگر اهتمام جدی سوره مدنی، خصوصاً سوره توبه بر طرح موضوعات امنیتی است، همه، از جمله این شواهد است. این شواهد و لحاظ فضای نزول سوره توبه، یافته‌های تحقیق را بیشتر با امنیت سیاسی منطبق می‌کند تا دیگر ابعاد آن؛ چراکه مطابق با دیدگاه موسع، امنیت به جنبه نظامی محدود نیست و ابعاد سیاسی، اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی و چه بسا فرهنگی نیز دارد (بوزان و همکاران، ۱۳۸۶: ص ۴۶)؛ برخلاف دیدگاه مضیق که امنیت را به

بعد نظامی محدود می‌داند (عبدالله خانی، ۱۳۸۹: ص ۱۲۰). اینکه کدام‌یک از این ابعاد، از همه مهم‌تر است و یا اینکه اصلاً همه در یک سطح اهمیت هستند، در مطالعات امنیتی، تحت عنوان «مرجع امنیت» بحث شده است. مرجع امنیت، یعنی آن بعد امنیتی که سایر ابعاد در خدمت او هستند و در صورت تراحم، به نفع مرجع امنیت فدا می‌شوند. مرجع امنیت، آوردگاه تضارب آراء میان مکاتب مختلف است. مثلاً مکتب کونپنهاک، «دولت» (عبدالله خانی، ۱۳۸۹: ص ۱۲۳)؛ مکتب ولز، «شخص» و برخی نظریه‌پردازان مطالعات امنیتی انتقادی، «جامعه» را مرجع امنیت دانسته‌اند (عبدالله خانی، ۱۳۸۹: ص ۲۱۲). اما مکتب امنیت متعالیه که معرّف نظریه اسلامی امنیت است، «اسلام» را مرجع امنیت دانسته است (لکزایی، ۱۳۹۳: ص ۱۴) و شواهد این موضوع، به‌وضوح در سوره توبه وجود دارد (آیات ۲۳-۲۴، ۳۳، ۱۱۱، ۱۲۰ و...). بنابراین، همه یافته‌های پژوهش در بعد امنیت سیاسی و در راستای مرجع امنیت، «اسلام» قابل تبیین است.

پیشینه پژوهش، مشحون از پژوهش‌های خرد و کلان در حوزه امنیت است؛ که غالباً خاستگاه اصلی آنها رشته علوم سیاسی بوده است. اما اهتمام پژوهشگران الهیاتی نیز در راستای کشف و تعریف بنیان‌های وحیانی امنیت، قابل توجه است که بعضاً به ارائه رهیافت‌های میان‌رشته‌ای انجامیده است. لکزایی (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «مکتب امنیت متعالیه»، با رویکرد نظریه‌پردازی و روش استنباطی-استنادی به تبیین نظریه اسلامی امنیت و ویژگی‌های آن نظیر مفهوم، سطوح، ابعاد، مرجع، روش‌های تحصیل و... پرداخته است. خسروی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «امنیت در قرآن؛ رویکردی تفسیری تبیینی»، نگاهی کلی و اجمالی به مبانی نظری امنیت، آشنایی با ابعاد و ویژگی‌ها و مؤلفه‌های آن در قرآن کریم داشته است. عزیزان (۱۳۹۴)، در پژوهشی با عنوان «امنیت در قرآن و سنت»، با رویکرد تاریخی و حدیثی، طیف وسیعی از مدخل‌های امنیت را بررسی کرده است. هاشمیان‌فرد (۱۳۹۱)، در پژوهشی با عنوان «امنیت در اسلام»، نقش، اهمیت و جایگاه مفهوم امنیت در اسلام را تبیین کرده است. اخوان کاظمی (۱۳۸۶)، در پژوهشی با عنوان «امنیت و ابعاد آن در قرآن کریم»، ضمن تبیین اهمیت امنیت در قرآن، به ارائه ابعاد گوناگون امنیت نظیر امنیت فردی-اجتماعی، سیاسی-نظامی و اقتصادی پرداخته است. کاویانی (۱۳۹۸)، نیز در پژوهشی با عنوان «امنیت ملی در قرآن کریم»، ایجاد امنیت را مبتنی بر دفع تهدیدهای پنج‌گانه نظامی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی دانسته و معتقد است تهدیدهایی که نفی آنها در قرآن برای تحقق امنیت ملی در عصر نزول مورد توجه قرار گرفته، فقط تهدیدهای اجتماعی و اقتصادی است.

در مجموع، پژوهش‌های موجود در راستای بسط و تبیین مفهوم امنیت و فارغ از جنبه عملیاتی در عرصه حکمرانی بوده و صرفاً به بیان بنیادهای نظری امنیت در اسلام پرداخته‌اند. گزینش آیات، بدون ملاک

نمونه‌گیری صریح و پیراستن آنها از متغیرهای متنی و فرامتنی دخیل در فهم، عدم به‌کارگیری روش تحقیق معتبر و پایا، از دیگر کاستی‌ها است؛ که گاهی موجب استنتاج‌های سوگیرانه شده است. هرچند آیاتی از سوره توبه به صورت موردی در این آثار استفاده شده؛ اما باور این است که این سوره در باب امنیت، افاده‌ای بیش از اینها دارد که تنها با لحاظ آن به صورت کلی و توجه به همه متغیرهای مفهومی دخیل در فهم مقصود نظیر زمان و فضای نزول، مخاطب‌شناسی آیات، سیاق، لحن و... می‌توان به آن دست یافت. امتیاز روش‌شناختی، داشتن ملاک نمونه‌گیری و لحاظ همه متغیرهای مفهومی دخیل در فهم مقصود، از نوآوری‌های این اثر است.

۲. مفهوم‌شناسی

امنیت در لغت به معنای آسایش و بی‌هراسی (معین، ۱۳۵۳: ج ۱، ص ۳۵۴)، آرامش نفس و زوال ترس بوده و گاهی هم، اسم است برای حالتی که انسان در آن آرامش دارد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ص ۲۵). بقاعی، امنیت را آرامش داشتن نفس با امید یافتن به خیر دانسته است (بقاعی، ۱۴۰۴ق: ج ۳، ص ۵۵۷). از دیدگاه اهل سیاست اما، امنیت یعنی «تأمین سلامت دولت در مقابل خطرات خارجی و داخلی که ممکن است منجر به وقوع تسلط خارجی بر کشور یا سبب کودتا و سقوط داخلی شود» (کیالی و همکاران، ۲۰۰۴: ج ۱، ص ۳۳۱). این تعریف، با توجه به ابعاد چندگانه امنیت، تعریف جامعی نیست و فقط امنیت سیاسی را شامل است. ظاهراً تعاریفی که مفسران از امنیت ارائه داده‌اند، به حقیقت و گستره معنایی آن نزدیک‌تر است؛ چراکه شمول اخروی آن را نیز مطرح کرده‌اند (لک‌زایی، ۱۳۹۳: ص ۱۴). با این همه، با توجه به ویژگی‌های سوره توبه که گفته شد، آنچه در این پژوهش پیگیری شده، راهبردهای امنیت سیاسی است. امنیت سیاسی، مفهومی است که شرایط دولت برای حفظ ثبات سیاسی و سازمانی، سیستم حکمرانی و اعمال قدرت و نیز ایدئولوژی که از آن الهام گرفته را توصیف می‌کند (رفیعی محمدی و همکاران، ۱۴۰۱: ص ۲۷۱). امنیت سیاسی، علاوه بر حفظ تمامیت ارضی، به معنای دفاع حاکمیت از آرامش شهروندان و تضمین حقوق آنان در مقابل انواع تهدید نیز هست (اخوان کاظمی، ۱۳۸۶: ص ۲۴). راهبرد یا استراتژی، به معنای «سازماندهی و به‌کارگیری مؤثر منابع و امکانات و توان دفاعی در رسیدن به اهداف استراتژیک و عمده است» (حیدرخانی، ۱۳۷۲: ص ۹۵). متغیرهای راهبردی نیز، سیاست‌هایی است برای رسیدن به اهداف بلندمدت و حیاتی که از تصمیم‌ها، برنامه‌ها و قواعد مرتبط ساختن اقدامات به یکدیگر برای رسیدن به هدف، تشکیل شده است (غفاریان، ۱۳۸۰: ص ۴۷). بنابراین، مقصود از راهبرد در این پژوهش، اقداماتی است که در خدمت اهداف کلان امنیتی حکومت اسلامی بوده و جنبه مقطعی و موردی ندارد.

۳. روش تحقیق

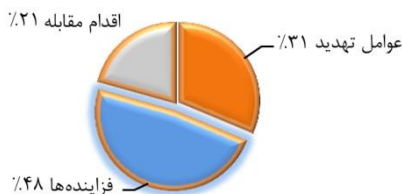
تحلیل محتوا، روشی در تحقیق است که ضمن بررسی فراوانی‌های موجود در منبع تحلیل، با هدف کشف معانی نهان متن، لایه‌های زیرین معنایی را می‌کاود و بر پایه معناداری فراوانی‌ها استوار است. در این روش، بسامد، جایگاه و ارتباط واژه‌ها در جمله، لحن و سیاق، از جمله مهم‌ترین منابع کشف پیام هستند. لورنس باردن بر این باور است که «تحلیل محتوا در حقیقت، فن پژوهش عینی، اصولی و کمی به‌منظور تفسیر و تحلیل محتوا بوده و تفکر بنیادی تحلیل محتوا عبارت است از قرار دادن اجزای یک متن (کلمات، جملات، پاراگراف‌ها و مانند آن برحسب واحدهایی که انتخاب می‌شوند) در مقولاتی که از پیش تعیین شده‌اند» (باردن، ۱۳۷۵: ص ۲۹). در پژوهش حاضر، متن سوره توبه به‌عنوان نمونه انتخاب گردید و بر پایه واحد تحلیل مضمون، در جدول تحلیل (نرم‌افزار اکسل) جای‌گذاری شد. در اولین گام، با تدقیق در رویکرد گزاره، جهت‌گیری کلی آن مشخص شده و در ستون «جهت‌گیری» ثبت شد. با توجه به هدف تحقیق، تنها آن دسته از گزاره‌هایی که به بیان عوامل مؤثر در امنیت پرداخته‌اند، مورد تحلیل قرار گرفته و سایر جهت‌گیری‌ها، از روند تحقیق خارج شدند. منظور از جهت‌گیری، نوع رویکرد و پرداخت گزاره به مسئله امنیت است. ستون موضوع اصلی، بیان‌گر معانی ظاهری و ستون موضوع فرعی، بیان‌گر معانی نهان گزاره و مبنای تحلیل کیفی است که با تعمق و بهره‌گیری از تفاسیری چون المیزان، مجمع‌البیان، فی ظلال القرآن و...، شأن نزول، فضای نزول، عوامل درون‌متنی نظیر لحن و سیاق، باهم‌آیی، تقابل واژگانی و... استنباط شده است. استخراج مقولات نیز، به صورت استقرائی و با توجه به معانی پنهان متن است؛ که وظیفه طبقه‌بندی موضوعات فرعی را جهت انجام هرچه دقیق‌تر تحلیل‌های کیفی، به عهده دارند. ستون ملاحظات هم، جهت درج هرگونه نکته‌ای که در فهم و استنتاج از گزاره می‌توانست مفید باشد، در نظر گرفته شد. در ادامه، با ارائه تحلیل‌های کمی و کیفی و استنتاج نهایی، امر تحقیق ادامه یافت.

جدول ۱- نمونه جدول تحلیل

کد گزاره	۲۱۹
متن گزاره	لَنْ تَقْتُلُوا مَعِيَ عِدُوَّكُمْ رَبُّيْتُمْ بِالْقُودِ أَوْلَ مَرَّةٍ
جهت‌گیری کلی	متغییر مؤثر
موضوع اصلی	منع مشارکت افراد بدسابقه در جنگ
موضوع فرعی	لحاظ پیشنهادی در گزینش
مقوله	راهبردهای ارتقاء

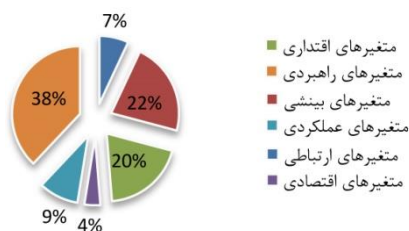
۴. یافته‌های پژوهش و مدل ذهنی

هریک از گزاره‌های سوره، به‌نوعی در قالب یکی از رویکردهای ایجابی، سلبی و یا بیان نوع اقدام مقابله با تهدید، به مسئله امنیت پرداخته‌اند. طبقه‌بندی مضامین در جهت‌گیری‌های سه‌گانه، براساس ظهور بدوی هر گزاره و پیام نهان آن، در کنار شواهدی چون شأن نزول، سیاق و... انجام شده، که بیشترین بسامد را بیان‌کننده‌های امنیت، به خود اختصاص داده است.



نمودار ۱- فراوانی جهت‌گیری‌های کلی

فایده این طبقه‌بندی، سهولت تحقیق به صورت متمرکز بر روی گزاره‌های مشتمل بر فزاینده‌های امنیت است. در ادامه، با دسته‌بندی و لحاظ متغیرهای همخوان، مقولات شش‌گانه جهت سهولت مطالعه و محاسبات آماری تنظیم شد که از این میان، «متغیرهای راهبردی» با سهم ۳۸٪، بیشترین بسامد را داشته و حاکی از سهم عمده آنها در ایفای امنیت است. مبنای جای‌دهی گزاره‌ها ذیل این مقوله، ماهیت راهبردی مشترک آنها است که بدین سبب، از دیگر مقولات متمایز هستند. این طبقه‌بندی، با گویا و واقعی‌تر کردن تحلیل کمی، نتایج تحلیل را دچار تغییر کرده و موجب استنتاج بهتر شده است. مثلاً از میان موارد با جهت‌گیری «فزاینده‌های امنیت»، به صورت موردی بیشترین بسامد، مربوط به «بینش توحیدی» است که پس از تعریف مقولات شش‌گانه، این فراوانی به نفع «متغیرهای راهبردی» تغییر کرده و بیانگر اهتمام سوره به آن مقوله است. این تفاوت کمی، به دلیل فراوانی تجمعی مقوله «متغیرهای راهبردی» بوده که متغیرهای همخوان بیشتری را شامل شده است.



نمودار ۲- فراوانی مقولات

۵. تحلیل کیفی

روش تحلیل محتوا بر این مبنا استوار است که فراوانی‌ها در تحلیل کمی، معنادار و راه ورود به تحلیل کیفی است. طبقه‌بندی متغیرها در مقولات مستخرج از داده‌ها، زمینه را برای تحلیل کیفی فراهم آورده است.

۵-۱. صیانت از اماکن استراتژیک

سوره توبه، مسجد را به جهت کاربری حاکمیتی آن در عصر نبوی مورد توجه قرار داده است. تحریم مشارکت مشرکان در عمران مساجد (توبه، ۱۷) و حتی تحریم ایشان از حضور در آن، حاکی از لزوم صیانت همه‌جانبه از این مرکز است. چنانچه در کاربست عبارت «فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ» (توبه، ۲۸)، در مقابل «فلا یدخلوا» اشاره دقیقی به شدت این صیانت است. مسجد با کاربری چندگانه، برجسته‌ترین بنای راهبردی و از مؤلفه‌های قدرت حکومت نبوی بود که اکنون بر گستره وسیعی از اماکن که به نوعی ویژگی راهبردی در حکمرانی دارند، قابل تعمیم است و هرگونه اقدام درباره آنها مانند تعدد بناء، تغییر کاربری، تولید و... باید با ملاحظات صیانتی سازگار باشد؛ چراکه همین مغایرت، انگیزه بنای مسجد ضرار با ملاحظات صیانتی مسجد قبا، وجه تسمیه و موجب تحریم و تخریب آن شد. با گسترش جامعه، متغیرهای مهم دیگری در صیانت از چنین اماکنی دخیل است. لزوم کاربست استانداردهای مهندسی و جغرافیایی و توجه به معیارهای مهمی نظیر تراکم جمعیت، ملاحظات ترافیکی و... در راستای حفظ ماهیت و کاربری هرچه بهتر بناء، از آیه «وَ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا... وَتَقْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ» (توبه، ۱۰۷)، مستنبط است؛ چراکه تأسیس مسجد ضرار در مجاورت مسجد قبا، با هدف تفرق اجتماع مؤمنان صورت گرفت (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۹، ص ۳۹۰). علاوه بر این، عبارت «وَ لِيَحْلِفْنَ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَى» (توبه، ۱۰۷) اهتمام منافقان به اختفای انگیزه‌های شروانه در پوشش تحرکات اجتماعی و فعالیت‌های مدنی را بیان می‌کند. چراکه ماهیت امنیت‌آفرینی مسجد از طرفی، و پایگاه اجتماعی و نقطه تمرکز بودن آن از سوی دیگر، مانع از عطف توجه به اغراض پنهان مؤسسان آن بود.

بیان انگیزه صوری منافقان در تأسیس این مسجد، مبنی بر ارائه تسهیلات اجتماعی و کمک به توان‌خواهان و... نشان از کاربری مسجد در حوزه خدمات اجتماعی دارد (سید قطب، ۱۴۱۲ق: ج ۳، ص ۱۷۱۰). این موضوع، نشان می‌دهد که سازمان‌هایی با وجهه اجتماعی مثبت، نظیر سازمان‌های مردم‌نهاد، مؤسسات خیریه و... بیش از دیگر دستگاه‌ها، آستان تهدید هستند. شأن نزول عبارت «إِزْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ...» (توبه، ۱۰۷) حاکی از آن است که مسجد، حتی می‌توانست نقطه شروع براندازی باشد (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۵، ص ۱۱۰). مهم‌ترین اقدام صیانتی در این راستا، افشای اغراض پنهان، توسط وحی و عملکرد پیامبر در

تخریب مسجد ضرار و تبدیل آن به زباله‌دانی شهر بود. بنابراین، با توجه به قدرت انگیزه‌های اجتماعی در جذب توده مردم و گستره شمول آن، نظارت و بازرسی هرچه دقیق‌تر دستگاه‌های نظارتی در جهت کشف اغراض پنهان در پس فعالیت‌های بشردوستانه و پوشش‌های اجتماعی و مدنی، از جمله الزامات صیانتی است (مغنیه، ۱۴۲۴ق: ج ۴، ص ۱۰۲). با توجه به عبارت: «فِيهِ رَجَالٌ يُجِبُونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا...» (توبه، ۱۰۸)، نظارت بر عناصر انسانی مرتبط با بناء، یکی دیگر از الزامات صیانتی از چنین مکان‌هایی است.

۵-۲. نظارت بر مجوزها

افشای انگیزه منافقان در تأسیس مسجد ضرار، توسط وحی و دستورات متعاقب آن به پیامبر، بر اتخاذ نوعی رویکرد نظارت و تمییز در مساجد، که مهم‌ترین پایگاه اجتماعی جامعه آن روزگار بود، دلالت دارد. وجود انگیزه‌های ضدآمنیتی در تأسیس این مسجد، موجب لغو مجوز اولیه آن شد؛ چراکه نفس حضور پیامبر در چنین مسجدی، بزرگ‌ترین مجوز تلقی می‌شد (سید قطب، ۱۴۱۲ق: ج ۳، ص ۱۷۱۰). بدین جهت، نهی ابدی از حضور پیامبر («لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا...») (توبه، ۱۰۸)) به معنای لغو ابدی مجوز و اعتبار آن مسجد بود. این نهی، به معنای سلب وصف مسجدیت آن بناء و در نتیجه، بطلان نماز در آن است؛ چراکه نهی، مقتضی فساد منهی‌عنه است (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق: ج ۱۰، ص ۲۰۳). این نهی ابدی و مطلق، دارای پشتوانه امنیت‌آفرینی و موجب بازدارندگی است؛ چراکه تأسیس مجدد چنین پایگاه‌هایی موجب تهدید امنیت است. به همین جهت، نهی از حضور، به دلیل ماهیت بنا است، و نه بانی. چراکه حتی با وجود توبه مؤسسان آن، هنوز پابرجا است و تنها با تغییر کاربری، منتفی می‌گردد. چنانچه عبارت «مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ» در آیه «لَمَسْجِدٍ أُسَسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ...» (توبه، ۱۰۸) بر لزوم عنایت به ماهیت بنا و انگیزه بنیادین تأسیس آن اشاره دارد. بنابراین، صرف تأسیس، موجب اعطای مجوز نبوده؛ بلکه باید علل و انگیزه‌های تأسیس، ارزیابی گردد و سنجه و ضوابطی برای آن وجود داشته باشد.

۵-۳. انسجام درونی - انقطاع بیرونی

سوره توبه، سیستم و شبکه ارتباطی مستحکم مبتنی بر عنصر ایمان را برای جامعه انتظار دارد و همه تفاوت‌های جغرافیایی، نژادی، فرهنگی، قبیله‌ای و... را تنها در پرتوی اشتراک ایمانی، قابل اغماض می‌داند. اشتراک ایمانی که هسته مرکزی این سیستم ارتباطی است، همه انواع رابطه اعم از خانوادگی، اجتماعی و حتی اقتصادی را شامل می‌شود. آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ وَ إِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ...» (توبه، ۲۳) به صراحت، همبستگی‌های خانوادگی و اجتماعی را تنها بر پایه ایمان، موجه می‌داند

(طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۹، ص ۲۰۸). اشتراک ایمانی باید به انسجام ایمانی بیانجامد، تا به ایفای امنیت در همه عرصه‌ها نائل آید. وحدت جمعی مؤمنان، عنصر مهمی است که در آیه «وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً» (توبه، ۳۶) تصریح شده است؛ اما غایت مطلوب نیست. در تقابل بیانی آیه «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ...» (توبه، ۷۱) با عبارت «وَالْمُنافِقُونَ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ» (توبه، ۶۷)، هر دو گروه به صورت جمعی تصویر شده‌اند؛ اما چون انسجام، مساوی اشتراک نیست، با کاربرد واژه «اولیاء» به ویژگی انسجام مؤمنان اشاره کرده و منافقان را به رغم اجتماعشان، فاقد آن دانسته است (نظیر «تَحْسَبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى» (حشر، ۱۴)). کاربرد واژه «اولیاء»، مفهوم‌سازی انسجام در مقابل اشتراک را موجب شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۹، ص ۳۳۸). بنابراین، این آیه توصیف جامعه ایمانی بوده که از اشتراک ایمانی به انسجام ایمانی گذار کرده است. معیت در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (توبه، ۱۱۹) نیز لزوم انسجام را می‌فهماند. در اینجا، خود معیت است که موضوعیت دارد، نه از صادقان بودن. تحقق انسجام ایمانی (مع الصادقین) مطلوب خداوند است، نه فقط اشتراک ایمانی (من الصادقین). مرزبندی صریح، تجنّب و قطع هرگونه ارتباط خارجی تهدیدکننده نیز، روی دیگر انسجام است. سوره توبه، مؤمنان را به عنوان یک کلّ منسجم در برابر مشرکان تصویر کرده و روابط سیاسی و عاطفی آنان را به درون حکومت محدود می‌داند. عبارت «وليجه» در آیه: «... الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَلَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِجَةً...» (توبه، ۱۶)، به معنای کسی است که آدمی او را تکیه‌گاه خود قرار دهد، که از خانواده‌اش نیست (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ص ۵۳۲). این واژه، به خوبی بر تجنّب و لزوم تحدید روابط به درون دلالت دارد و تقریباً معادل عبارت «بطانه» در سوره آل عمران، به معنای محرم اسرار و تکیه‌گاه است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۳، ص ۶۴). کاربرد عبارت «نجس» و «فَلَا يَقْرَبُوا» (توبه، ۲۸) علاوه بر لزوم استقرار نظام مالی مستقل، بر شدت این تجنّب دلالت دارد. بنابراین، در نظر گرفتن دو راهبرد انسجام درونی و انقطاع بیرونی در خط‌مشی حکمرانی اسلامی، از مهم‌ترین فرایندهای امنیت است.

۴-۵. ضرورت‌سنجی و عملکرد اولویت‌محور

برخی آیات این سوره، بر لزوم طبقه‌بندی امور بر مبنای ضرورت‌سنجی توسط جامعه دینی دلالت دارد. آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ...» (توبه، ۱۲۳) به صراحت، مؤمنان را به لزوم مقابله با خطر نزدیک امر می‌نماید. بدیهی است که در حالت معمول، دفع خطر نزدیک به دلیل مرجحات امنیتی، اولویت دارد و یک اصل عقلی در اصول نظامی است. چنانچه، حرکت اصلاحی پیامبر اسلام (ص) نیز تابع این اصل

بوده، ابتدا از دعوت نزدیکان شروع شد و در آخر، به دعوت سلاطین بزرگ جهان ختم گردید. این نزدیکی در عصر نزول آیه، قرابت جغرافیایی بوده و مراد، نبرد با امپراطوری روم شرقی است؛ چراکه پس از فتح جزیره العرب، نزدیک‌ترین تهدید برای حکومت اسلامی بود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۸، ص ۱۹۷). با این همه، اطلاق «یَلُونَكُمْ» مانع از حمل آن بر دیگر وجوه قرابت، نظیر قرابت در اثرگذاری نیست. پر واضح است که تهدیدهایی چون فرقه‌های انحرافی، جریان‌ات و رهبران سیاسی منحرف، اشراک و اخلاص‌گران، سلبریتی‌های کژاندیش و کژرو و نظیر آنها که دارای اقبال نسبی در جامعه هستند، از مهم‌ترین مصادیق «تهدید نزدیک» به حساب می‌آیند؛ که اقدامات مقابله‌ای مؤثر از جانب حکومت را می‌طلبد. بنابراین، آنچه اولویت دارد، دفع تهدید نزدیک است از هر جهتی. همچنین، در مقطع زمانی مورد اشاره آیه: «قُلْ أَنْفِقُوا طَوْعاً أَوْ كَرْهاً لَنْ يُتَقَبَلَ مِنْكُمْ إِنْكُمْ إِنْكُمْ كُنْتُمْ قَوْمًا فَاسِقِينَ» (توبه، ۵۳)، که فراخوان مشارکت در جهاد مطرح است، عده‌ای با بهانه، از شرکت در جنگ خودداری کرده و چنین پنداشتند که مساعدت مالی ایشان موجب رفع تکلیف خواهد شد؛ حال آنکه ضرورت فعلی، اقتضاء دارد تا همه قوا برای جنگ تبوک متمرکز شده و تهدید، جز با حضور حداکثری دفع نشود. گاهی نیز، چنین ضرورتی برای شرکت همه افراد در جنگ نبوده و امور جهاد با اعزام سپاهی حداقلی انجام می‌شده است. چه بسا در آن مقطع، امر دیگری مانند فراگیری احکام و معارف دینی، ضرورت بیشتری داشته است. آیه «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً...» (توبه، ۱۲۲) بر لزوم ضرورت‌سنجی و عملکرد اولویت‌محور تأکید دارد و همین عنصر، باعث شرکت پیامبر (ص) در برخی جنگ‌ها و اعزام سربده در برخی دیگر می‌شده است (واحدی، ۱۴۱۲ق: ج ۱، ص ۲۶۳). بنابراین، وجود سیستم ضرورت‌سنج، که قادر به تشخیص به‌موقع تهدید و طبقه‌بندی و طراحی راهبردهای مقابله‌ای مؤثر باشد و نیز، ساختار اولویت‌محور در عملکرد حکومت، ضامن ایفای امنیت در عرصه‌های مختلف است.

۵-۵. ابلاغ و تبیین

برآیند ژرفکاوای در آیات این سوره، توجه به مسئله توانمندسازی احاد جامعه و تلاش جهت اقتناع عقیدتی در کنار اغنای معیشتی افراد است که باید در دستور کار حکومت اسلامی قرار گیرد. با توجه به شدت لحن آیات ابتدایی این سوره، به خصوص آیه: «فَإِذَا أَنْسَلَخَ الْأَشْهُرَ الْحُرْمَ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَاحْصُرُوهُمْ وَاقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصِدٍ...» (توبه، ۵)، لزوم مقابله و نبرد همه‌جانبه با مشرکان مطرح است و هیچ‌گونه امانی (پس از مهلت چهارماهه) برای آنها وجود ندارد. با این همه، از آنجا که این اعلام برانگیز یک حرکت اصلاحی بوده و هدفی جز تأمین امنیت حکومت اسلامی ورای آن نیست، در صورتی که مشرکی برای

شنیدن آیات الهی و یافتن مجالی جهت تحقیق و تفحص و در نهایت، انتخاب آگاهانه و نه تحت اکراه، امان بخواند، حکومت اسلامی نه تنها حق تعرض به او را ندارد؛ بلکه وظیفه تأمین امنیت او را نیز به عهده دارد. این امان دادن، آن هم در آن خفقان شدید علیه مشرکین، تنها می‌تواند در سایه اهمیت ابلاغ و روشنگری، تفسیر و توجیه شود، چنانچه تعلیل خود آیه ناظر به آن است: «ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ» (توبه، ۶). این امر، نه تنها موجب تهدید امنیت نیست، بلکه از مهم‌ترین عوامل ایجاد امنیت است؛ چراکه زمینه را برای پذیرش و اعتقاد قلبی به نظام اسلامی و سرسپاری کامل به احکام و قوانین، فراهم آورده و جامعه را از خطر ارتداد، انحراف و تبدیل شدن به عناصر ضدامنیت در آینده، مصون می‌سازد. از طرفی این آیه از محکومات قرآن بوده که ابداً قابل نسخ نیست (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۹، ص ۲۰۶) و لزوم ابلاغ معارف را از سوی حکومت اسلامی به افراد مطالبه‌گر می‌رساند. بنابراین، وجود سازوکار آگاهی‌بخشی و سازمان تبلیغات فرامرزی، یک مطالبه همیشگی از حکومت اسلامی است و این لزوم، از باب اولویت، برای تبلیغات و بصیرت‌افزایی درون‌مرزی نیز صادق است. این مطالبه از حکومت اسلامی، به ابلاغ و تبیین معارف و اصول عقائد، محدود نیست. چنانچه، در آیه «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا بَعْدَ إِذْ هَدَاهُمْ حَتَّى يُبَيِّنَ لَهُمْ مَا يَتَّقُونَ...» (توبه، ۱۱۵) بر لزوم تبیین هرچه بیشتر احکام و قوانین برای همه افراد جامعه اسلامی تأکید دارد. با توجه به عبارت «بَعْدَ إِذْ هَدَاهُمْ» و عبارت «وَمَا يَتَّقُونَ»، مقصود، تبیین احکام و قوانین به جامعه اسلامی است؛ چراکه «هدایت» و «تقوا» فقط بر مسلمان قابل تطبیق است.

این اقدامات، باید با رویکرد ضرورت‌شناسانه و شناسایی اқشار آسیب‌پذیر و بسترهای اجتماعی مستعد انحراف، همراه باشد. اعراب، قشری است که به دلیل دوری از تمدن، امکانات و مراکز علم و ادب، یک تهدید بالقوه برای امنیت تلقی شده و توجه بیشتر حکومت نسبت به اقناع عقیدتی آنها را می‌طلبد و آیه «الْأَعْرَابُ أَشَدُّ كُفْرًا وَ نِفَاقًا وَ أَجْدَرُ أَلَّا يَعْلَمُوا حُدُودَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ» (توبه، ۹۷)، هشدار می‌دهد بر این تهدید (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۹، ص ۳۷۱). ضعف بینش در این افراد، موجب شده تا پرداخت وجوهات به حکومت را خسارت پنداشته و کنش‌وری تهدیدآمیز آنها را موجب شود. «يَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ مَغْرَمًا وَ يَتَّبِعُ بِكُمْ الدَّوَائِرَ...» (توبه، ۹۸). بنابراین، با توجه به نقش بنیادین بینش‌ها در شکل‌دهی رفتار (جامعی، ۱۳۹۸: ص ۱۹)، تبیین فلسفه احکام و قوانین و مبانی معرفتی آن و توجه ویژه به بسترهای تهدیدزا نظیر مناطق محروم و اқشار کم‌برخوردار، که بیش از دیگران در معرض عدم آگاهی قرار دارند، عاملی تعیین‌کننده در کنش‌وری امنیتی یا ضدامنیتی افراد است. کنترل اندیشه ملت، یکی از مؤلفه‌های اقتدار است؛ که مخصوصاً هنگام آفند تحریف، پدافند تبیین را می‌طلبد. اهمیت این راهبرد، به‌ویژه در شرایط کنونی، موجب طرح اندیشه راهبردی

«جهاد تبیین» از سوی مقام معظم رهبری گردیده است (مقام معظم رهبری، ۱۹/۱۲/۱۴۰۰).

۵-۶. تمرکززدایی و زمینه‌سازی برای مشارکت اجتماعی

ابعاد گوناگون و نیازهای متنوع زیست اجتماعی بشری، تعاون و استخدام قوای انسانی را می‌طلبد؛ به طوری که پاسخگویی به برخی نیازها جز با تشریک مساعی، قابل رفع نیست. این مهم، یعنی لزوم اقدام تشکیلاتی و سازمان‌محور، به دلیل ماهیت زیست جمعی بشر، همواره وجود داشته و امروزه با گسترش جوامع و پیدایش صنایع، بیش از پیش ضرورت یافته است. در سال‌های نزول سوره توبه که حکومت اسلامی به اوج خود رسیده و جامعه‌ای بزرگ محسوب می‌شد، این ضرورت نیز شدت یافت. بر این اساس، نکات ذیل، از آیه «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْ لَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» (توبه، ۱۲۲) ایفاد می‌گردد:

(۱) اهمیت توزیع تمرکز و عنایت به همه عرصه‌ها موجب کاربست لحن تحضیض در این آیه شده است؛ چراکه غفلت از این مهم، موجب تهدید امنیت است.

(۲) اینکه این آیه برخلاف دیگر دستورات مطرح در این سوره، با لحن خطاب با مؤمنان سخن نگفته است، اشاره‌ای است به آنکه این کار، مقدماتی دارد که به عهده مؤمنان نیست؛ بلکه حکومت اسلامی با توجه به راهبرد ضرورت‌سنجی و عملکرد اولویت‌محور، باید سازوکاری جهت سازمان‌دهی نیروی انسانی اندیشیده و زمینه را برای مشارکت افراد فراهم آورد.

(۳) باتوجه به نظام قبیله‌ای در عصر نزول این آیه، همه طوایف را دخیل دانسته و با اتساع گستره تکلیف، بر لزوم تمرکززدایی و مشارکت همه اقشار جامعه در امور اجتماعی و حکومتی تأکید دارد.

(۴) اولویت استخدام و انتصاب نیروی بومی برای هر منطقه، از عبارت «مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ...» مستفاد است.

(۵) از آنجا که مقصود آیه، پرهیز از تمرکز بر محوری واحد و غفلت از دیگر عرصه‌ها است؛ امروزه که این محورها بیش از این است، لزوم تخصیص و توزیع هوشمندانه منابع انسانی و اقتصادی براساس مقتضیات هریک، از آیه شریفه، قابل برداشت است.

(۶) مهاجرت با هدف تحصیل، باید نتیجه‌محور و در راستای رفع نیاز جامعه باشد. نفس مهاجرت و حتی کسب علم در هجرت، موضوعیت نداشته و آنچه مورد تأکید بوده، انتفاع جامعه از این هجرت است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۹، ص ۴۰۴).

۷) تخصص‌گرایی و کادرسازی در حوزه‌های گوناگون، از دیگر نکات این آیه است؛ چراکه ضرورتاً وجود تخصص و احساس نیاز به آن، پرورش متخصص را می‌طلبد. چنانچه تخصص فقه و نیاز به آن در آیه تصریح شده و پرورش متخصص، مورد مطالبه است. این تنها نمونه‌ای مطابق با ضرورت زمانه نزول است؛ که مانع از تعمیم آن نیست و پیدایش تخصص‌های نوظهور، پرورش متخصصین مربوطه را می‌طلبد. پرورش متخصص در عرصه‌های مورد نیاز به جهت نقش آن در استقلال و توانایی پاسخگویی به نیازهای جامعه و در نتیجه، تأمین امنیت و اقتدار حکومت اسلامی، مورد مطالبه آیه است. بنابراین، تمرکززدایی، هم در رسیدگی به تخصص‌ها و هم در پرورش متخصص و نیز بسترسازی برای مشارکت همه اқشار جامعه در رفع نیازهای تخصصی، از عوامل مهم در ارتقاء امنیت است.

۷-۵. لحاظ پیشینه در گزینش

در مقطع زمانی که فراخوان عمومی برای شرکت در جنگ تبوک صورت گرفته و مشارکت حداکثری در این جنگ از جانب پیامبر مطالبه شده بود، عده‌ای از منافقان به بهانه‌های مختلف، از شرکت در این جنگ سر باز زدند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۹، ص ۳۶۰). در میان آیات مختلفی از سوره توبه که به بیان احوال منافقان پرداخته است، آیه «فَإِنْ رَجَعَكَ اللَّهُ إِلَى طَائِفَةٍ مِنْهُمْ فَاسْتَأْذِنُوا لَلْخُرُوجِ فَقُلْ لَنْ تَخْرُجُوا مَعِيَ أَبَدًا وَ لَنْ تُقَاتِلُوا مَعِيَ عَدُوًّا إِنَّكُمْ رَضِيتُمْ بِالْقُعُودِ أَوَّلَ مَرَّةٍ فَاقْعُدُوا مَعَ الْخَالِفِينَ» (توبه، ۸۳)، وظیفه پیامبر را در مقابل تاکتیک‌های احتمالی ایشان جهت بازیابی و جاهت اجتماعی خویش و نشان دادن خود در مقام جبران، مشخص می‌سازد. از آیه چنین برمی‌آید که در گزینش‌ها و به‌خصوص گزینش‌های نظامی، سابقه افراد بسیار مهم است و در مواردی موجب محرومیت و انفصال دائمی آنان از استخدام می‌شود. آنچه موجب حرمان ابدی ایشان از مشارکت در امور نظامی شده است، سوءسابقه ایشان بوده که هنوز اقدام مشروعی برای جبران آن صورت نداده‌اند. بدیهی است این امعان‌نظر و دقت عمل در انتصابات و استخدام در دستگاه‌های حکومتی، تابع اهمیت و حساسیت مناصب و دستگاه‌ها است که غفلت از آن، عامل مهمی در تهدید امنیت می‌باشد.

۸-۵. ملاک در اعطای معافیت

در میان آیاتی که به‌طور سخت‌گیرانه‌ای بر شرکت در جهاد تأکید دارد، آیاتی نیز، به سه گروه معاف از جنگ اشاره داشته که فقدان تمکن جسمی، مالی و فقدان الزامات دولتی، موجب این معافیت شده است. با این حال، این معافیت، مطلق نبوده و با شرطی که در آیه «لَيْسَ عَلَى الضُّعَفَاءِ وَ لَأ عَلَى الْمَرْضَى وَ لَأ عَلَى الَّذِينَ

لَا يَجِدُونَ مَا يُنْفِقُونَ حَرْجٌ إِذَا نَصَحُوا لِلَّهِ وَرَسُولِهِ...» (توبه، ۹۱) مبنی بر خیرخواهی برای خدا و رسول مطرح است، توجیه می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۹، ص ۳۶۲). باتوجه به اینکه «محسن» به بُعد عملی احسان اشاره دارد و به کسی اطلاق می‌شود که در مقام عمل، احسان کند و نیز، با توجه به این دلیل عقلی که خیرخواهی در دل، برای حکومتی در حال جنگ سودی ندارد؛ «نصحو» ناظر به خیرخواهی عملی، پشتیبانی و اقدامات حمایتی از حکومت است. «زیرا کلمه «نصح» که در اصل به معنی اخلاص است، کلمه جامعی است که هرگونه خیرخواهی و اقدام مخلصانه را شامل می‌شود، و چون مسئله جهاد مطرح است، ناظر به کوشش‌ها و تلاش‌هایی است که در این زمینه صورت می‌گیرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۸، ص ۸۲). از طرفی، کلمه «حرج» که در اینجا به معنای «تکلیف و مسئولیت» است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۸، ص ۸۲)، بیانگر وظیفه همگانی است و نشان می‌دهد که آحاد جامعه در امور حکومت وظایفی دارند. بر این اساس در حکومت اسلامی، هیچ فردی به معنای مطلق، معاف نیست؛ بلکه وظایف افراد، دارای مراتبی است که با توجه به معیارهای معافیت، صرفاً موجب معافیت آنان از مراتب آعلای تکلیف می‌شود.

همچنین، براساس آیه «وَلَا عَلَى الَّذِينَ إِذَا مَا اتَّوَكَّلُوا لِيْتَخِمَلَهُمْ قُلْتُ لَا أَجِدُ مَا أَحْمِلُكُمْ عَلَيْهِ تَوَلَّوْا وَأَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ حَزَنًا أَلَّا يَجِدُوا مَا يُنْفِقُونَ» (توبه، ۹۲)، فقدان استطاعت و الزامات استخدام از جانب حکومت، موجب اسقاط تکلیف نیست؛ بلکه تنها موجب تنزل تکلیف است (زیرا عطف به آیه قبل شده و در اشتراط نصح، مشترک است). مثلاً اگر به دلایلی نظیر فقدان جایگاه شغلی، تکمیل نیروی انسانی و یا معلولیت خاص در فرد متقاضی، امکان استخدام در گروهان رزمی نیست، می‌توان در دیگر حوزه‌های مقدور، نظیر امور دفتری، پشتیبانی، تبلیغاتی، پژوهشی و... از ظرفیت افراد، به صورت «معاف از رزم» بهره برد. بر این اساس، نقص جسمی جانبازان و معلولین، نه تنها مانع استخدام نیست؛ بلکه به جهت انتفاع از سایر توانمندی‌ها و بعضاً نبوغ ذهنی آنان و عدم تضییع حقوق شهروندی، می‌تواند ملاکی ترجیحی نیز باشد. از طرفی، سیاست‌های حمایتی حکومت از اقشار آسیب‌پذیر جامعه، از این طریق نیز، قابل اقدام است. پر واضح است که چنین سیاستی، موجب تجمیع و تمرکز قوا و انتفاع از توانایی‌های فرد فرد جامعه بوده و به‌طور مستقیم در حصول امنیت، مؤثر است. ضمن اینکه، این معیار (خیرخواهی)، به اعطای معافیت رزمی و نظامی منحصر نیست و می‌تواند شامل معافیت در دیگر حوزه‌ها، نظیر معافیت مالیاتی نیز باشد. در نتیجه، ارائه هرگونه معافیت از جانب حکومت به افراد یا گروه‌های خاص، باید مبتنی بر احراز شرط «نصح» باشد. بدیهی است که اعطای معافیت به افراد سودجو و انتفاع فردی از معافیت، موجب تعارض منافع حکومت اسلامی بوده و رانت و ویژه‌خواری نام می‌گیرد.

۹-۵. رتبه‌بندی و نظام سلسله مراتب

تقدیم و تأخیرها در بیان قرآن کریم نه اتفاقی، بلکه معنادار و حاکی از نوع نگرش به آن است. از دیدگاه اندیشمندان علوم قرآنی، انگیزه‌های فراوانی برای تقدّم عبارتی خاص بر سایر عبارات وجود دارد که از جمله مهم‌ترین آنها، بیان شرافت و عنایت ویژه به لفظ مقدّم است (سیوطی، ۱۴۲۱ق: ج ۱، ص ۶۵). وجه تقدیم در آیه «وَالسَّابِقُونَ الْأُولُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ...» (توبه، ۱۰۰) نیز بیان شرافت و فضیلت پیشگامان هجرت و نصرت است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۹، ص ۳۷۴)؛ هرچند نوعی ترتیب منطقی میان «سابق» و «تابع» نیز برقرار است. آنچه از آیه بدست می‌آید، نوعی نگاه ارزشی به عنصر سبق و اولیت است، که موجب اختصاص بالاترین نعمت اخروی یعنی رضوان الهی «...وَرَضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ...» (توبه، ۷۲)، در کنار سایر نعمات بهشتی مشترک با دیگر بهشتیان «...جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ...» (توبه، ۱۰۰)، به پیشگامان شده است. چنین رویکردی اولاً، لزوم «رتبه‌بندی» عناصر دخیل در حکومت و ثانیاً، ابتناء نظام حقوق و پاداش براساس آن رتبه‌ها را می‌نمایاند. پر واضح است که سبق و اولیت، تنها یکی از معیارهای دخیل در رتبه‌بندی است و قدر متیقن از آیه، جایگاه ویژه سبق در تخصیص امتیازات است که باید -به شرط عدم مانع- از جانب حکومت مورد توجه قرار گیرد.

۱۰-۵. تأمین امنیت روانی

مطابق با بوزان که امنیت روانی را رهایی از تهدیدهای زیان‌بخش در ساحت روان انسان دانسته است (بوزان، ۱۳۷۸: ص ۲۲)، امنیت روانی یکی از سطوح متنوع امنیت، مهم‌ترین شاخصه سلامت روان و زیربنای کنش‌وری مطلوب است. آیه ۱۰۳ سوره توبه، از امعان نظر قرآن کریم به مسئله امنیت روانی شهروندی در کنار امنیت ملی حکایت دارد. باتوجه به آیه «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ» (توبه، ۱۰۳)، حکومت اسلامی علاوه بر حُسن اجرای قوانین، وظیفه تأمین امنیت روانی و آرامش جامعه را نیز برعهده دارد. امر پیامبر به أخذ و درود، نه یک امر شخصی؛ بلکه امر به اتخاذ نوعی رویکرد در حکمرانی به‌عنوان حاکم است؛ چراکه اولاً، مراد از «صَدَقَةً» همان زکات واجب است (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۵، ص ۱۰۲)؛ ثانیاً، جمع‌آوری وجوهات تحت هر عنوانی مثل زکات، خمس، مالیات، عوارض و... از شئون حکومت است، و نه افراد. از طرفی نیز برخلاف بسیاری از دیگر آیات، در اینجا مستقیماً مؤمنان را امر به پرداخت زکات نکرده است، گویا ایشان مورد خطاب نیستند؛ بلکه حکمران، مورد خطاب است. «خذ»، بیانگر آن است که حاکم اسلامی متولی أخذ زکات در جامعه بوده و بدین منظور، باید

سازوکاری بیاندیشد.

براساس تعلیل «إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ...» که جان‌مایه بحث است، آنچه موضوعیت دارد، نه دعای پیامبر، بلکه حصول امنیت روانی افراد است، چنانچه سیره حکمرانی ایشان نیز اینگونه بوده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۹، ص ۳۷۷). امر به درود به جهت تکریم و حصول امنیت خاطر شهروندان، در پی تمکین از الزامات حکومتی است. مهمی که از طریق مردم‌سالاری دینی قابل حصول است و بیان می‌دارد که اجرای قوانین باید به‌گونه‌ای باشد که موجبات امنیت روانی افراد را فراهم آورد. البته این مهم، بایسته‌های دیگری نیز دارد، از جمله راهبرد «ابلاغ و تبیین». تازمانی که افراد، امری را به‌عنوان قانون نپذیرند، یا از آن بی‌اطلاع باشند؛ نمی‌توان از آنان انتظار تمکین داشت. به‌عنوان مثال، چگونه می‌توان افرادی را که از قانون رعایت حجاب^۱ در جامعه هیچ‌گونه اطلاعی ندارند مواخذه کرد؟ ابتدا باید با راهبرد «ابلاغ و تبیین» ضرورت و فواید مدنی و معنوی قوانین را تبیین نموده و به نحوی رسا، ابلاغ شود. سپس، به‌گونه‌ای اجرا شود که به امنیت روانی افراد بیانجامد. روشنگری و اقناع نخبگانی، در پذیرش قلبی قوانین و در نتیجه، حصول امنیت روانی، نقشی تعیین‌کننده دارد. چنانچه در ادامه آیه، چنین رویکردی اتخاذ شده است و با عبارتی نظیر «نُظِّهُرُهُمْ وَ تُرَكِّبُهُمْ بِهَا... أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَ يَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ» (توبه، ۱۰۴)، سعی در تبیین فلسفه حکم و اقناع مخاطب دارد.

تخصیص هوشمندانه و عادلانه بودجه، رویکرد اصلاح‌گراانه و نه مجازات‌گونه در وضع جرائم مالی و مالیاتی، تکریم ارباب‌رجوع، عملکرد خیرخواهانه مأموران اجرای احکام و قوانین و متولیان امور، صرف آورده مردمی به‌گونه‌ای ملموس در عمران و آبادانی شهر و روستا، از جمله مهم‌ترین عوامل ایجاد امنیت روانی و حصول آرامش در جامعه است؛ چراکه در این صورت، نه تنها افراد احساس خسران نکرده، بلکه وجوهات پرداختی خویش را به صورت ملموس در راستای منافع خود می‌دانند. همچنین، عبارت «وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ» (توبه، ۶)، امنیت کلی پناهنده را فرض دانسته است. اما آنچه مهم است، لزوم تأمین امنیت روانی او علاوه بر امنیت فیزیکی می‌باشد. عبارت «حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ» در ادامه آیه، به معنای پذیرش بی‌درنگ مسموع و غایت زمانی امان نیست؛ بلکه پس از سماع و دریافت کامل معارف، شخص باید با حفظ امنیت کامل به مأمن و موطن خویش بازگردد، تا در فضایی فاقد تهدید و برخورد از امنیت روانی تصمیم بگیرد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۹، ص ۲۰۶). در غیر این صورت، معنایی جز اکراه و

۱. تبصره ماده ۶۳۸ قانون مبارزه با بدحجابی

اجبار ندارد و شنیدن آیات، لغو خواهد بود؛ چراکه نهایتاً شخص باید فوراً به آنچه شنیده، گردن نهد و این با ماهیت امان دادن معارض است.

مورد دیگر، تأمین امنیت روانی مشرکانی است که تازه اسلام گزیده‌اند. هرچند انتظار می‌رود گذشت حکومت نسبت به این افراد کافی باشد (چنانچه پیامبر در قبال برخی طیف‌های مخالف چنین مأمور بود^۱)، اما نوع مواجهه حکومت با آنها، نه به‌عنوان شهروندی معمولی است؛ بلکه وظیفه دارد با ایشان معامله اخوت نماید «فَاِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ» (توبه، ۱۱)؛ که سبک ارتباطی خاص مؤمنان^۲ است. تعبیر اخوت، از آن جهت اهمیت دارد که علاوه بر تهدید جانی، تهدید روانی را نیز منتفی می‌کند؛ چرا که مفاهیم همدلی، حمایت، مودت و... از «اخوت» متبادر است. اگر حکومت موظف باشد تنها تیغ از گردن آنان برنهد، باز هم در معرض تهدید هستند (تهدید روانی مثل تحقیر، انزوا و...)؛ اما سبک تعاملی مبتنی بر اخوت، علاوه بر امنیت جانی، امنیت روانی را نیز تأمین می‌کند. مطابق با آیه، اتخاذ چنین رویکردی پس از توبه و احراز التزام عملی افراد به فرائض است. بنابراین، هرگونه مواجهه دستگاه حکمرانی در شئون مردم در عرصه تقنین، اجرا، ارائه خدمات و... باید در راستای تأمین امنیت روانی جامعه و تکریم ارباب رجوع باشد که تمکین قلبی از قوانین، افزایش سرمایه اجتماعی حکومت و در نتیجه، ارتقاء امنیت، بزرگ‌ترین دستاورد آن است.

۵-۱۱. پاداش و تقدیر

از میان همه گزاره‌های مربوطه، حدود یک‌سوم آنها به موضوع پاداش مربوط بوده (۳۳٪) و این، یک آمار بسیار بالا در چنین تحقیقی است. علاوه بر آن، اینگونه نیست که هر یک از این پاداش‌ها به صورت مجزاً به یک الزام امنیتی اختصاص داشته باشد؛ بلکه در بیشتر موارد، این گزاره‌های تشویقی به دنبال زنجیره متصل به هم از الزامات مطرح شده است و در حقیقت، گویا هرکدام از آنها، چنین پاداشی دارد. تعاقب دستورات امنیتی با بیان پاداش، با هدف برانگیزندگی افراد به تمکین از الزامات بوده است؛ چنانچه هدف از طرح کیفر پس از نواهی نیز، بازدارندگی است. فراوانی ممتاز این راهبرد، علاوه بر حصول توازن میان الزام و تشویق در بیانات سوره، بر لزوم ایجاد موازنه میان جنبه قهری و رحمانی در سیستم حکمرانی و ایجاد متغیرهای انگیزنده نیز دلالت دارد. طرح پاداش‌های فراعصری و اخروی نیز، موجب می‌شود که آیندگان نیز خود را در معرض آن پاداش‌ها دانسته و شمول زمانی الزامات، تضمین شود. چه آنکه اگر پاداش‌های مطرح، مخصوص به عصر

۱. «فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ» (مانده، ۱۳)

۲. «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات، ۱۰)

نزول بود، این دستورات هم، عصری و محدود تلقی می‌شد. از طرفی، اخروی بودن پاداش با نمود و ظهور دنیوی آن منافات ندارد. مثلاً رضوان الهی، در دنیا نیز موجب مصونیت فرد از غضب خداوند است. موارد تفصیلی و فراوانی موردی این پاداش‌ها به شرح ذیل است.^۱

جدول ۲- موارد تفصیلی و فراوانی پاداش‌ها

نوع پاداش	فراوانی	نمونه
۱ رحمت الهی	۹	أُولَئِكَ سَبَّرَ اللَّهُ لَهُمُ (۷۲)
۲ رستگاری	۶	وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۸۸)
۳ غفران الهی	۴	وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۲۷)
۴ بهشت	۴	وَأَعَدَّ لَهُمُ جَنَّاتٍ ... (۱۰۰)
۵ حب الهی	۳	إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ (۴)
۶ رضوان الهی	۳	رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ (۱۰۰)
۷ جایگاه ویژه نزد خدا	۲	لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ (۱۹)
۸ بشارت	۲	فَأَسْتَبِشِرُوا بِنَبِيِّكُمْ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ (۱۱۱)
۸ هدایت	۱	فَمَسَىٰ أُولَئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ (۱۸)
۱۰ قرب الهی	۱	أَلَا إِنَّهَا قُرْبَةٌ لَهُمْ (۹۹)
۱۱ توبه‌پذیری الهی	۱	إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ (۱۱۸)
۱۲ رافت الهی	۱	إِنَّهُ بِهِمْ رَؤُوفٌ (۱۱۷)
۱۳ همه خوبی‌ها	۱	وَأُولَئِكَ لَهُمُ الْخَيْرَاتُ (۸۸)
۱۴ جزاء به بهترین وجه	۱	لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۲۶)

۵-۱۲. توجه به عنصر زمان

گزاره‌های زیر در سوره توبه، به اهمیت عنصر زمان در اجرای احکام و قوانین اشاره دارد:

«... فَإِذَا انْسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرْمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ...» (توبه، ۵)

«... فَسِيحُوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ...» (توبه، ۲)

«... فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا...» (توبه، ۲۸)

۱. علت اختلاف فراوانی موردی با فراوانی سیاست پاداش و تقدیر، تفاوت در واحد شمارش است. در اینجا واحد شمارش، واژه است نه جمله.

«إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا... مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ... فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ...» (توبه، ۳۶).

با کنار هم در نظر گرفتن این موارد، لزوم اجرای زمان‌بندی‌شده قوانین و پرهیز از اجرای دفعی و بدون مقدمه آنها توسط حکومت، قابل برداشت است. چنین امری به سه جهت ضرورت دارد:

اولاً، تعریف چنین مهلتی، فرصتی است برای اقناع نخبگانی و زمینه‌سازی پذیرش آن قانون در جامعه.

ثانیاً، اجرای یکباره و بدون اطلاع قوانین، به‌خصوص آنهایی که مستقیماً با معیشت افراد ارتباط دارد، موجب اختلال در امنیت روانی، آشفتگی اجتماع و در نهایت، تزلزل پایگاه مردمی حکومت خواهد شد.

ثالثاً، اجرای برخی قوانین، لزوماً باید در بستر زمانی خاص و پس از ارزیابی‌های کارشناسی‌شده دقیق صورت گیرد؛ تا میزان توفیق آن افزایش یابد.

۶. نتیجه‌گیری

- (۱) تقارن زمانی نزول سوره توبه با اوج حکومت نبوی و نیز، رسالت بنیادین حکومت‌ها در تأمین امنیت، انگاره غرض‌امنیتی این سوره را قوت می‌بخشد. دلایل مختلفی برای اثبات این انگاره وجود دارد که فراوانی ۱۰۰ درصدی گزاره‌های امنیتی در جهت‌گیری‌های سه‌گانه، این مدعا را تأیید می‌کند.
- (۲) فراوانی ۴۸ درصدی فزاینده‌های امنیت در این سوره، ضمن اثبات ساختار حکومت برای نهضت اصلاح نبوی، لزوم اهتمام حکومت اسلامی به امنیت پویا را نشان می‌دهد.
- (۳) متغیرهای راهبردی با فراوانی ۳۸ درصد، بیشترین بسامد را در میان فزاینده‌های امنیت در سوره توبه به خود اختصاص داده است؛ که بر اهتمام این سوره به عرصه راهبردی امنیت در حوزه حکمرانی دلالت دارد.
- (۴) بیان ممتاز راهبرد «پاداش و تقدیر» با فراوانی ۳۳ درصد، از جنبه قهری سوره کاسته است که بر لزوم ایجاد موازنه میان جنبه قهری و رحمانی در حکمرانی دلالت دارد.
- (۵) راهبرد «انسجام درونی-انقطاع بیرونی» با فراوانی ۱۶ درصد، فراوانی دوم را به خود اختصاص داده است که اهتمام ویژه سوره، بر تحکیم بنیان‌های داخلی حکومت را می‌نمایاند.
- (۶) با توجه به وجه امتیاز غرض سوره توبه در بیان الزامات امنیتی، کاربست تام این راهبردها در خط‌مشی حکمرانی اسلامی بایسته است که برای تحقق این مهم، لازم است در گزینش افراد جهت ورود به بدنه حکومت از صدر تا ذیل و اعطای مناصب حکومتی، اعتقاد و التزام عملی به سیاست‌های منبعث از این راهبردها، معیار قرار گیرد. به علاوه، تصویب این راهبردها در دستگاه‌های متولی امنیت کشور و ابلاغ آنها به دستگاه‌های اجرایی و سپس نظارت بر حسن اجرای آنها از دیگر الزامات کاربردی شدن این راهبردها است.

منابع

قرآن کریم.

- ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰ق). *التحریر و التنویر*. بیروت: مؤسسة التاریخ العربی، ج ۱۰.
- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۶). امنیت و ابعاد آن در قرآن. *مطالعات اسلامی*، شماره ۷۵: ص ۱۱-۳۸.
- باردن، لورنس (۱۳۷۵). *تحلیل محتوا*. ترجمه ملیحه آشتیانی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- بقاعی، ابراهیم بن عمر (۱۴۰۴ق). *نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور*. قاهره: دارالکتب الاسلامیه، ج ۳.
- بوزان، باری و همکاران (۱۳۸۶). *چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت*. ترجمه علیرضا طیب. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوزان، باری (۱۳۷۸). *مردم، دولت‌ها و هراس*. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- جامعی، مهدی (۱۳۹۸). *شبکه‌های اجتماعی و اقدامات پیش‌ساز*. تبریز: عاصم.
- حیدر خانی، صادق (۱۳۷۲). *اصول و مفاهیم صورت‌بندی استراتژی سیاست و دکترین دفاعی و استراتژی نظامی*. بسیج، شماره ۱: ص ۹۵-۹۹.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۴۰۰/۱۲/۱۹). *بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری*. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=49769>
- خسروی، مرتضی (۱۳۹۶). *امنیت در قرآن: رویکردی تفسیری تبیینی*. تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم. (۱۴۱۲ق). *المفردات فی غریب القرآن*. دمشق، بیروت: دارالقلم، الدار الشامیه.
- رفیعی محمدی، ناصر و همکاران (۱۴۰۱). *تاثیر ابعاد امنیت بر ارتقای معنویت با ابنتا بر قرآن کریم*. قرآن و علم، شماره ۳۰: ص ۲۶۱-۲۸۴.
- سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۲۱ق). *الإتقان فی علوم القرآن*. بیروت: دارالکتب العربی، ج ۱.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۹.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: ناصر خسرو، ج ۵.
- عبدالله خانی، علی (۱۳۸۹). *نظریه‌های امنیت*. تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- عزیزان، مهدی (۱۳۹۴). *امنیت در قرآن و سنت*. قم: زمزم هدایت.
- غفاریان، وفا (۱۳۸۰). *استراتژی اثربخش*. تهران: فرا.
- قطب، سید (۱۴۱۲ق). *فی ظلال القرآن*. بیروت: دارالشروق، ج ۳.
- کاویانی، محمد هادی (۱۳۹۸). *امنیت ملی در قرآن کریم*. مدیریت سرمایه اجتماعی، شماره ۳: ص ۳۷۵-۳۹۴.
- کیالی، عبدالوهاب و همکاران (۲۰۰۴م). *موسوعه السیاسه*. بیروت: الموسسه العربیه للدراسات و النشر، ج ۱.
- لکزایی، نجف (۱۳۹۳). *امنیت متعالیه*. سیاست متعالیه، شماره ۵: ص ۷-۲۸.
- لکزایی، نجف (۱۳۹۸). *امنیت متعالیه*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- معین، محمد (۱۳۵۳). *فرهنگ لغات معین*. تهران: انتشارات امیرکبیر، ج ۱.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۳، ۸.

- مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۴ق). *تفسیر الکاشف*. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۴.
- نولن، سوزان و همکاران (۱۳۹۲). *زمینه روانشناسی تکنیسون و هیلگار*. تهران: کتاب ارجمند، ج ۲.
- واحدی، علی بن أحمد (۱۴۱۲ق). *اسباب نزول القرآن*. تحقیق: الحمیدان، دار الإصلاح، الدمام، ج ۱.
- هاشمیان فرد، زاهد (۱۳۹۱). *امنیت در اسلام*. تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.

Hefner, R.W. (2010). *The New Cambridge History of Islam*. Cambridge: Cambridge University Press.